

بررسی صفات در جایگاه توصیف‌گر گزاره‌ای

زهرا لبافان خوش^۱

چکیده

در زبان فارسی، صفات افزون بر آن که به‌عنوان وابستهٔ پسین، هستهٔ اسمی را توصیف می‌کنند، می‌توانند به عنوان توصیف‌گر گزاره‌ای نیز به کار روند. به نظر می‌رسد آن دسته از صفتاتی که به توصیف گزاره می‌پردازند، طبقات متمایزی را تشکیل می‌دهند. از این رو، فرض می‌شود که این دسته از صفات به گروه‌هایی قابل تقسیم‌بندی است، به گونه‌ای که هر یک توزیع نحوی متفاوت و ویژگی معنایی متمایزی دارد. بر اساس تفاوت‌های نحوی - معنایی این دسته از صفات، نشان داده خواهد شد که در جایگاه توصیف‌گر گزاره‌ای در زبان فارسی صفات ارتقایی، صفات کلامی و صفات نگرشی قابل تبیین هستند.

کلیدواژه‌ها: صفات ارتقایی^۲، صفات کلامی^۳، صفات نگرشی^۴

۱. مقدمه

صفات، به‌عنوان طبقه‌ای متمایز، در ساختار تمام زبان‌ها قابل شناسایی است. در برخی زبان‌ها صفت‌ها ویژگی‌های دستوری مشابهی با اسم‌ها و فعل‌ها و در برخی دیگر ویژگی‌های متمایزی نسبت به اسم‌ها و فعل‌ها نشان می‌دهند؛ در برخی زبان‌ها نیز ویژگی‌های صفات مشابه فعل‌ها و در برخی دیگر مشابه اسم‌ها است. با این همه، در هر زبانی متمایز ساختن صفت‌ها از سایر اجزاء کلام، همواره بر اساس معیارهای دستوری همان زبان صورت می‌پذیرد (دیکسون^۵ و دیگران، ۲۰۰۴).

همان‌گونه که در زبان‌های گوناگون، طبقات متمایزی از اسم‌ها و فعل‌ها قابل بازشناسایی است، صفات نیز طبقات متمایزی را تشکیل می‌دهند. در این میان، تقسیم‌بندی صفات به دلیل پیچیدگی دشوارتر می‌نماید. صفات به طور کلی دو نقش اساسی را در دستور زبان به نمایش می‌گذارند. نخست آنکه در جایگاه وابسته، هستهٔ اسمی را توصیف می‌کنند. هر گروه اسمی به طور معمول یک هستهٔ اسمی دارد که می‌تواند یک (و یا چندین) صفت را به‌عنوان وابسته

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تهران، labbafan@ut.ac.ir

^۲.raising adjective

^۳.discourse adjective

^۴.attitude adjective

^۵.R.M.W Dixon

بپذیرد. دیگر آنکه صفات می‌توانند به عنوان توصیف‌گر گزاره‌ای، به توصیف گزاره بپردازند. صفات به کار رفته در جایگاه وابسته اسمی، طبقات متمایزی همچون صفت بیانی، نسبی، لیاقت، اشاره، شمارشی، پرسشی و مبهم را شامل می‌شود (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۵). تاران‌تو^۱ (۲۰۰۵) بر این باور است که آن دسته از صفات که گزاره‌ای را توصیف می‌کنند نیز می‌توانند طبقات متمایزی را تشکیل دهند. چنین تمایزی بر اساس تفاوت‌های ظریف نحوی - معنایی این گروه از صفات صورت می‌پذیرد.

با توجه به آنچه گفته شد، انتظار می‌رود در زبان فارسی نیز آن دسته از صفات که به توصیف گزاره می‌پردازد، بر اساس معیارهای نحوی - معنایی قابل تمایز به گروه‌های متفاوتی باشد. از این رو، در بخش دوم از مقاله حاضر به اختصار از رویکردی که صفات را به عنوان توصیف‌گر گزاره‌ای مطرح می‌نماید سخن به میان می‌آید. سپس در بخش سوم، صفات یادشده در زبان فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به پیروی از رویکرد تاران‌تو (۲۰۰۵) و بر اساس معیارهای نحوی - معنایی نشان داده می‌شود که سه دسته از این صفات در زبان فارسی قابل تبیین است. بخش چهارم نتیجه تحلیل داده‌ها را دربر خواهد داشت.

دانشگاه زنجان
۱۳-۱۵ شهریور ۹۲
فارس‌لیرا

۲. صفات: توصیف‌گر گزاره‌ای

دیکسون و دیگران (۲۰۰۴) بر این باورند که صفات گذشته از آنکه مفاهیم پایه‌ای خاصی را دربر دارند، نقش‌های دستوری خاصی را نیز در ساختار زبان به نمایش می‌گذارند. آنان می‌پذیرند که در برخی زبان‌ها، صفات محمول‌های لازمی^۲ را تشکیل می‌دهند و سپس، یک اسم یا یک موقعیت را از طریق بند موصولی توصیف می‌کنند. از دید آنان، حضور نشان‌گر بند موصولی (که در زبان فارسی) به همراه چنین محمولی اختیاری است. رویکرد آنان در نهایت، این ویژگی را مشخصه بنیادین نحو صفات در نظر می‌گیرد.

بارکر^۳ و تاران‌تو (۲۰۰۳) در بررسی دسته‌ای از صفات زبان انگلیسی، که از آنها با نام صفات کلامی یاد می‌کنند، می‌پذیرند که صفاتی چون واضح، روشن، آشکار و مشهود از نظر نحوی و معنایی یک طبقه طبیعی را شکل می‌دهند. از دید تاران‌تو (۲۰۰۵)، این صفات محتوای توصیفی ندارد و اطلاعات تازه‌ای به دانش مشترک اضافه نمی‌کند و تنها به منظور درک حقیقت کلامی و برطرف ساختن تیرگی بافتی به کار می‌رود. صفات یادشده تنها اطلاعاتی را پیرامون دانش مشترک کلامی طرفین امر ارتباط دربر دارد. به گفته دقیق‌تر، این گروه از صفات به طرفین امر ارتباط کمک می‌کند تا در مورد بافت پیرامون کلام، و نه دنیای واقعی یا ماورای کلام، صحبت کنند. بر این اساس، جمله (۱ - الف) یک ساخت اطلاعاتی است و بر این حقیقت که علی دروغ می‌گوید استوار است، حال آن که جمله (۱ - ب) اطلاعات جدیدی درباره دروغ گفتن یا دروغ نگفتن علی دربر ندارد و تنها اطلاعاتی پیرامون بافت کلام به نمایش می‌گذارد. چنین ساختی باور طرفین امر ارتباط درباره گزاره علی دروغ می‌گوید را بیان می‌کند، به این معنا که در بافت کلامی پیش رو شواهد کافی برای گوینده و شنونده وجود دارد که بر مبنای آن می‌توان چنین استنباط کرد که علی دروغ می‌گوید و این حقیقت برای طرفین امر ارتباط پدیده‌ای روشن و به دور از هر گونه ابهام است.

¹.G. Taranto

².intransitive predicate

³.C. Barker

(۱) الف - علی دروغ می گوید.

ب - روشن است که علی دروغ می گوید.

رویکرد یادشده می پذیرد که در ساخت‌هایی چون (۱ - ب)، صفاتی همچون روشن در جایگاه محمولی قرار گرفته است که معنای آن محتوای توصیفی جدیدی ندارد و این محمول تنها به گوینده و شنونده امکان می دهد تا پیرامون دانش مشترک کلامی خود سخن بگویند. شاید به نظر برسد توزیع نحوی صفاتی از این دست با گروه دیگری از صفات همپوشی داشته باشد. صفاتی همچون بعید، لازم و ممکن که از آنها با نام صفات ارتقایی یاد می شود و صفاتی همچون مسخره، بیهوده و عجیب که صفات نگرشی نامیده می شود، می توانند در جایگاه توصیف‌گر گزاره‌ای تظاهر یابند. در جمله‌های (۲ - الف، ب و ج) به ترتیب صفت کلامی، صفت ارتقایی و صفت نگرشی به عنوان توصیف‌گر گزاره‌ای به کار رفته است.

(۲) الف - روشن است که قیمت‌ها افزایش بیشتری می یابد.

ب - ممکن است که قیمت‌ها افزایش بیشتری بیاید.

پ - مسخره است که قیمت‌ها افزایش بیشتری بیاید.

با این همه، به نظر می رسد با وجود همپوشی این صفات در جایگاه توصیف‌گر گزاره‌ای، این سه گروه از صفات از یک سو ویژگی‌های معنایی متفاوت و از سوی دیگر توزیع نحوی متفاوتی را به نمایش می گذارند. تارانتو (۲۰۰۵) بر این باور است که اگر چه صفات ارتقایی و نگرشی توزیع نحوی مشابهی با صفات کلامی دارند، اما به لحاظ ویژگی معنایی و نحوی از این صفات متمایز هستند. از دید معنایی، صفات نگرشی با بیان نگرش گوینده، بی آنکه اطلاعاتی پیرامون بافت کلام دربر داشته باشد، تنها نحوه تفکر، احساس و نگرش فرد را نسبت به گزاره پیش رو نشان می دهد. بدین ترتیب، نگرش گوینده می تواند متفاوت از نگرش شنونده باشد و حضور این گروه از صفات به مفهوم وجود دیدگاه یکسان بین گوینده و شنونده نیست. این در حالی است که صفات کلامی، دربر دارنده رویکردی مشترک بین گوینده و شنونده است. تارانتو (۲۰۰۵) در نهایت، به برخی از ویژگی‌های نحوی مربوط به این صفات اشاره می کند. رویکرد وی نشان می دهد که تنها صفات ارتقایی، و نه صفات کلامی و نگرشی، می تواند سبب ارتقا فاعل به فاعل^۱ شود. وی همچنین بیان می کند که صفات کلامی می تواند تجربه‌گر آشکار^۲ و متمم پرسشواژه‌ای^۳ بپذیرد، حال آن که صفات ارتقایی و صفات نگرشی چنین رفتار نحوی را از خود نشان نمی دهند.

۳. بررسی صفات در زبان فارسی

فرایند ارتقا در زبان فارسی، موضوع بحث‌برانگیزی بوده است و زبان‌شناسان با رویکردهای متفاوتی به این پدیدهٔ زبانی نگریسته‌اند. در بررسی ساخت‌هایی همچون (۳ - الف و ب)، برخی تحلیل‌ها (درزی، ۱۳۸۵) تفاوت جملهٔ (۳ - ب) از جملهٔ (۳ - الف) را حاصل فرایند ارتقا می‌داند. بدین ترتیب، درزی (۱۳۸۵) می‌پذیرد که در جملهٔ (۳ - ب) علی از جایگاه فاعل بند پیرو به جایگاه فاعل بند پایه حرکت کرده است و از این حرکت با نام فرایند ارتقا یاد می‌کند.

¹.subject -to -subject raising

².overt experiencer

³.wh-complement

۳) الف - لازم است که علی کتاب را به او بدهد.

ب - علی لازم است که کتاب را به او بدهد.

(درزی، ۱۳۸۵: ۱۷۷، ۴۸)

وی ضمن پذیرش و تأکید بر وجود فرایند ارتقا فاعل به فاعل در زبان فارسی، گزاره‌هایی همچون ممکن بودن، لازم بودن، بعید بودن، احتمال داشتن، به نظر رسیدن و ... را گزاره‌های ارتقایی می‌نامد. در رویکرد پیشنهادی وی، بی آنکه ساختار درونی این گزاره‌ها مورد بررسی قرار گیرد، تنها به حضور فرایند ارتقا در زبان فارسی تأکید می‌شود.

در مقابل رویکرد نخست، برخی تحلیل‌گران (دبیر مقدم، ۱۳۸۴ و کریمی، ۲۰۰۵) بر وجود فرایند ارتقا در زبان فارسی تردید کرده‌اند و از همین روی، جابه‌جایی علی از بند پیرو به درون بند پایه، در جمله (۳ - ب)، را حاصل فرایند مبتداسازی دانسته‌اند. بر پایه چنین رویکردی، این پرسش مطرح می‌شود که بدساختی جملاتی چون (۴ - ب و ج) چگونه توجیه می‌شود. چنانچه حرکت فاعل بند پیرو به درون بند پایه حاصل فرایند مبتداسازی باشد، حرکت مشابه باید بتواند جمله‌های (۴ - ب و ج)، که تنها در نوع صفات به کار رفته در گزاره پایه تفاوت دارند، را نیز تولید کند. نادرستی بودن جملاتی از این دست، ضمن ایجاد تردید در مورد فرایند مبتداسازی در ساختی همچون (۴ - الف)، می‌تواند دستوری بودن چنین ساختی و نادرستی بودن ساخت‌های (۴ - ب و ج) را بر اساس ویژگی‌های نحوی - معنایی متفاوت صفات توجیه نماید.

۴) الف - علی لازم است که کتاب را به او بدهد.

ب - * علی روشن است که کتاب را به او بدهد.

ج - * علی مسخره است که کتاب را به او بدهد.

همان‌طور که در داده‌های (۲) که در (۵) تکرار شده است نیز مشاهده می‌شود، صفات ارتقایی، کلامی و نگرشی به

ترتیب در جمله‌های (۵ - الف، ب و ج) در جایگاه توصیف‌گر گزاره‌ای به کار رفته است.

۵) الف - ممکن است که قیمت‌ها افزایش بیشتری بیابد.

ب - روشن است که قیمت‌ها افزایش بیشتری بیابد.

پ - مسخره است که قیمت‌ها افزایش بیشتری بیابد.

جابه‌جایی فاعل بند پیرو به درون بند پایه تنها در جمله (۶ - الف) پذیرفتنی است و دستوری بودن این جمله و نادرستی بودن جمله‌های (۶ - ب و ج) را می‌توان تنها بر اساس ویژگی صفت توصیف‌گر و ارتقایی دانستن آن در (۶ - الف) تبیین کرد. بر این اساس، به نظر می‌رسد ویژگی نحوی - معنایی صفت بند پایه در حرکت فاعل بند پیرو به بند پایه نقش داشته باشد و پذیرش فرایند مبتداسازی در جملاتی از این دست، نمی‌تواند بدساختی جمله‌های (۶ - ب و ج) را توجیه نماید.

۶) الف - قیمت‌ها ممکن است که افزایش بیشتری بیابد.

ب - ? قیمت‌ها روشن است که افزایش بیشتری بیابد.

پ - * قیمت‌ها مسخره است که افزایش بیشتری بیابد.

با متمایز ساختن صفات ارتقایی از صفات کلامی و نگرشی، در ادامه نشان داده خواهد شد که توزیع نحوی صفات

کلامی نیز متفاوت از توزیع نحوی صفات ارتقایی و نگرشی است. چنانکه پیش‌تر مطرح شد، تارانتو (۲۰۰۵) بر این باور

است که یکی از ویژگی‌های نحوی - معنایی مربوط به صفات کلامی این است که می‌تواند به همراه تجربه‌گر آشکار به کار رود. داده‌های (۷) به درستی این فرض را در زبان فارسی تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که رفتار صفات ارتقایی و نگرشی نیز متفاوت از صفات کلامی است. حضور تجربه‌گر «برای من» به همراه صفت نگرشی (۷ - ب) و صفت ارتقایی (۷ - ج) ساخت‌های نادستوری را تولید می‌کند. حال آنکه، ساخت دربر دارندهٔ صفت کلامی (۷ - الف) به همراه یک تجربه‌گر آشکار، کاملاً دستوری است.

الف - برای من روشن است که قیمت‌ها افزایش بیشتری بیابد.

ب - * برای من بیهوده است که قیمت‌ها افزایش بیشتری بیابد.

پ - * برای من ممکن است که قیمت‌ها افزایش بیشتری بیابد.

افزون بر کاربرد تجربه‌گر آشکار به همراه صفات کلامی، رویکرد یاد شده بیان می‌کند که صفات کلامی می‌تواند یک متمم پرسشواژه‌ای بپذیرد (۸ - الف)، در حالی که پذیرش چنین متممی توسط صفات نگرشی (۸ - ب) و صفات ارتقایی (۸ - ج) منجر به تولید ساخت‌های نادستوری می‌شود.

الف - روشن است چگونه می‌توان به پیشرفت رسید. ۱۵ شهریور ۹۲
ب - * مسخره است چگونه می‌توان به پیشرفت رسید.

پ - * ممکن است چگونه می‌توان به پیشرفت رسید.

بازنگری داده‌هایی از این دست نشان می‌دهد که همپوشی صفاتی که گزاره‌ای را توصیف می‌کنند، با وجود شباهت جایگاهی، تمایزات نحوی - معنایی آشکاری را به نمایش می‌گذارد. تنها صفات ارتقایی سبب ارتقا فاعل به فاعل می‌شود، در حالی که صفات کلامی و نگرشی چنین رفتاری را از خود نشان نمی‌دهند. از سوی دیگر، تمایز صفات نگرشی از صفات کلامی نیز بر اساس رفتار متفاوت این دو گروه نسبت به پذیرش تجربه‌گر آشکار و متمم پرسشواژه‌ای تبیین می‌گردد.

۴. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر صفات در جایگاه توصیف‌گر گزاره‌ای مورد بررسی قرار گرفت. این صفات را می‌توان بر اساس معیارهای نحوی - معنایی به طبقات متمایزی تقسیم کرد. بر اساس تحلیلی که از پیش رو گذشت، به پیروی از رویکرد تارانگو (۲۰۰۵)، پیشنهاد شد که این دسته از صفات در زبان فارسی ویژگی‌های نحوی - معنایی متفاوتی را دارا هستند. در مجموع و با توجه به بازنگری داده‌های زبان فارسی، به نظر می‌رسد که این گروه از صفات در فارسی سه طبقه متمایز صفات ارتقایی، صفات کلامی و صفات نگرشی را تشکیل می‌دهند.

منابع

انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۵)، *دستور زبان فارسی ۲*، تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی.
دبیر مقدم، محمد (۱۳۸۴)، «پیرامون «را» در زبان فارسی»، *پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

درزی، علی (۱۳۸۵)، «ضرورت تمایز میان فرایند ارتقا و مبتداسازی در زبان فارسی»، *مجله دستور*، ش ۲، صص ۱۶۱-۱۸۷.

Barker, C., and Taranto, G. (2003) 'The paradox of asserting clarity.' In P. Koskinen (ed.), *Proceedings of the Western Conference on Linguistics (WECOL) 2002*, vol. 14. Department of Linguistics, California State University, 10–21.

Dixon, R.M.W. and A.Y. Aikhenvald, (2004) *Adjective Classes: A Cross-linguistic Typology*, New York: Oxford University Press.

Karimi, S. (2005), *A Minimalist Approach to Scrambling, Evidence from Persian*, New York: Mouton de Gruyter.

Taranto, G. (2005) 'How Discourse Adjectives Synchronize the Speaker and Listeners Beliefs'. In E. Georgala and J. Howell (ed.), *SALT XV* 241 -257, Ithaca, NY: Cornell University.

